

پارادوکس رفتار مالیاتی دولت در تئوری و عمل

محمد رضایی پور، پژوهشگر موسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی

تبادل

در ادبیات اقتصاد سیاسی، اصل بر این است که نظام مالیات ستانی باید مکمل روند رشد و توسعه اقتصادی باشد تا در سایه آن به نظم اقتصادی و سیاسی جامعه لطمه‌ای وارد نشود. بر پایه این اصل، دولت‌ها به خصوص در کشورهای در حال توسعه باید سازوکار مالیات ستانی را بنحوی طراحی کنند که تمامی اثرات توزیعی و تخصیصی متاثر از آن را پیش‌بینی و مدیریت نمایند. زیرا مالیات‌ها علاوه بر درآمد زایی، نحوه تخصیص منابع تولیدی را نیز تغییر می‌دهند. بدین معنا که با اعمال مالیات جدید و یا تغییر نرخ مالیات، انگیزه افراد جهت سرمایه‌گذاری تغییر می‌کند و برای کاهش بار مالیاتی متعلقه، به سمت فعالیتهای معاف از مالیات و یا فضای غیررسمی حرکت می‌نمایند. علاوه بر این، مالیات‌ها حامل اثرات توزیعی درآمد نیز می‌باشند. این اثر به مقوله عدالت اشاره دارد و به نوعی در برگیرنده مسئولیت دولت در تناسب و تعلق مالیات بر اقشار جامعه است. در این راستا دولت‌ها جهت تعیین نرخ مبنا و پایه‌های مالیاتی باید به دو اصل توجه داشته باشند. اول اصل فایده که بر مبنای آن باید مابین مالیات دریافتی از اشخاص حقوقی و حقیقی و خدمات عمومی عرضه شده به آنها تناسب وجود داشته باشد. دوم اصل توانایی پرداخت که در واقع مکمل اصل اول است به این معنا که اصولاً دولت در قبال عرضه کالاها و خدمات عمومی باید بر اساس توانایی اشخاص مالیات وضع کند.

در مجموع نتایج مطالعات انجام شده حاکی است که آثار تخصیص مالیاتها (تغییر در عرضه کار، سرمایه‌گذاری و در نتیجه تغییر در نوع و سطح تولیدات) و نتایج توزیع مالیاتها (تعلق یا تعیین سهم مالیات گروه‌های مختلف مردم) اساس و چارچوب نظری نظام مالیات ستانی را تشکیل می‌دهد.

لذا بادر نظرگرفتن مباحث مذکور نظام مالیاتی کارا نظامی است که سخت افزار و نرم افزار مربوط به آن بنحوی طراحی شود که اثرات تخصیص و توزیعی هرگونه سیاست مالیاتی اعم از اعمال مالیات جدید، تغییر نرخ و... را پیش بینی و با اسناد بالادستی کشور سازگار باشد.

علی رغم اهمیت این موضوع، تجربه مالیات ستانی در ایران نشان می‌دهد که نظام مالیاتی با پارادوکس‌های قابل توجه در مبنای نظری و عمل مواجه است. به عنوان مثال در شرایطی که کشور در رکود اقتصادی بسر می‌برد و جریان سرمایه گذاری در تمامی بخش‌های اقتصادی کشور رو به افول است، درآمد سازمان امور مالیاتی با فشار بیشتر بر مودیان رسمی صنعتی و تولیدی کشور تا ۲۰ درصد افزایش یافته است. در چند هفته اخیر نیز شاهد تداوم این فشار بر اصناف تولیدی و توزیعی کشور برای افزایش مالیات تا حدود ۱۸ درصد هستیم. جالب این که دستگاه مالیات ستانی کشور در شرایطی اصرار بر این روند افزایشی دارد که بند ۱-۳-۱ بسته ضد رکود دولت، ضمن تاکید بر سیاست‌های واجد توازن (اثر تخصیصی) و عدالت (اثر توزیعی) در مالیات ستانی، حامل دستوراتی جهت اعمال معافیتها و ایجاد مشوق های مالیاتی نیز است.

البته تشریح تمام ابعاد این پارادوکس رفتاری از حوصله این مطلب خارج است. اما مطالعه اسناد تخصصی و بعضا منتشر شده توسط سازمان امور مالیاتی مبین این واقعیت است که دولت در راستای عملیاتی کردن نظام کارآمد مالیاتی در پهنه اقتصادی با مشکلات ساختاری متعددی مواجه است و پارادوکس رفتاری تشریح شده در سطور بالا ناشی از موانعی به شرح زیر است:

• به دلیل ساختار نامنظم اقتصاد و نیز محدودیت‌های مالی، سازمان‌های مالیاتی و آماری در تولید آمارهای قابل اطمینان با مشکل مواجه هستند. این فقدان داده‌های آماری سیاستگذاران را از ارزیابی تاثیر بالقوه تغییرات اساسی در نظام مالیاتی باز می‌دارد.

• مؤسسات و نهادهایی در اقتصاد ایران وجود دارند که یا مالیات نمی‌پردازند و یا اینکه با توجه به قدرت خود مانع تصویب قوانین مالیاتی می‌شوند. این نهادها و سازمان‌ها شامل هم نهادهای قدرتمند در بخش شبه دولتی و هم نهادها و سازمان‌ها در بخش خصوصی هستند. در اصطلاح مالیاتی به این نهادها مودیان سخت الوصول می‌گویند.

• بخش قابل توجهی از اقتصاد کشور دارای فعالیت غیررسمی و پنهان است. همچنین بخشی از نیروی کار کشور نیز تحت یک نظام حقوق و دستمزد مشخص فعالیت نمی‌کنند و دریافتی‌های آنها در دفاتر حسابداری ثبت نمی‌شود.

در نتیجه این مشکلات و سختی رفع این موانع، سازمان امور مالیاتی کشور در اکثر سالها و دهه های گذشته ترجیح داده است که به جای اصرار و تمرکز بر ایجاد یک نظام مالیاتی مدرن و کارآمد که تمامی اقتصاد کشور را در بر گیرد، بیشتر بر اصلاح و تسهیل اسناد و فرایندهای اداری مالیات ستانی از مودیان رسمی متمرکز شود. این روند با مبانی نظری مالیات ستانی در تعارض است و دارای آثار منفی بر پیکره اقتصاد کشور است. از جمله آنکه باعث فرار مودیان رسمی به فضای غیررسمی مالیات گریز و همچنین تغییر رجحان‌های سرمایه گذاران از فعالیت تولید صنعتی پرمشقت و درعین حال اشتغال‌زا به سمت فعالیتهای کم اهمیت توزیعی و دلالی مخرب اقتصاد، می‌شود.

لذا در مجموع توصیه می‌شود سازمان امور مالیاتی در کوتاه مدت به جای اعمال نرخ های مالیاتی بالاتر بر پیکره رنجور اقتصاد رسمی، بدنبال ایجاد اجماعی در حاکمیت جهت اخذ مالیات از مودیان

سخت الوصول متناسب با سهم شان از درآمد ملی و فراریان مالیاتی باشد و در میان مدت از راهکارهای عملیاتی جهت شفاف سازی بخش اقتصاد غیررسمی و مالیات ستانی از این بخش بهره بگیرند.